

بسیاری بنیاد شد و هلاک گشته و علاوه بر آئین مجتهد اعظمی بعبادت و عبادت و هم
دوران ایام وفات یافت و خدمت مولانا بختاره وی حاضر شد و بعضی گفته اند که شیخ
الدین در جنب مولانا بهاء الدین ولد مدفونست و بعضی گفته اند که آن ناکسان بدت
میرا کشتن یاد چاه نعلخته بود نه شیعی سلطان ولد در خواب دیده شیخ شمس الدین
اشارت کرد که در فلان چاه خفته ام بر من مشیت یاران مجتهد جمع کرد و در مدرسه مولانا
بهلولی بانی مدرسه امیر بیدار آئین دفن کردند و الله اعلم **شیخ صلاح الدین**
فرید الدین گویا الموعود وی در دیبالت حال برید سید زهرا الدین محقق زری
بوده روزی خدمت مولانا از حواله زد که با آن سید شت از او از ضربت ایشان درونی
حالی ظاهر شد و بچرخ درآمد شیخ صلاح الدین باهام از دکان بدون جنت و سر بر قدم
مولانا نهاد خدمت مولانا تا و بیدار گرفت و نوازش بسیار کرد از وقت نماز پیشین تا نماز
دویم خدمت مولانا در جماع بود و این غزل نمود **نظم** بیک گویید بیاید دین دکان از کج
زهر صورت زهر معنی زهر خوبی زهر خوبی **۱** شیخ صلاح الدین فرمود تا دکان زلفیما
کردند و از دکان آواز شد و در صحبت مولانا روان شد خدمت مولانا همانا عشق آنگ
که با شیخ شمس الدین داشت با وی پیش گرفت و مدت ده سال با وی موالت و صحبت
روزی از خدمت مولانا سوا کرد که عارفان کشتن آنکه از سرفروشی آید و تو جانش
باشی و آنچنان مرد صلاح الدین است و چون سلطان ولد بدرجه بلوغ رسید خدمت
مولانا در خدمت شیخ صلاح الدین با محبت وی خطبه کرد و چاهی عارفان از آن در خبر بود و خدمت

بصفت تافت و سکون و او
وسکون تون و شیخ پاکتر
و او

شیخ صلاح الدین در قریه مدفونست در جوار مولانا بهاء الدین قدس الله تعالی روحهما
و چون شیخ صلاح الدین بخواهی بیوست عنایت خدمت مولانا و خلافت وی و چلی
حسام الدین منتقل شد و عشق بازی با وی بسیار نهاد و بسبب نظم مشغول آن بود
که چون چلی حسام الدین منتقل شد **۱** شیخ اصحاب را با آن نامه حکیمت است و منطق
فرید الدین و مصیبت نامه وی در دیبالت از خدمت مولانا در خواست که اسرار غیبی
بسیار شناسد که چنانچه بطرز آنگه نامه سناسی با منطق الطیر کتابی منظوم کرد در
تاد و نشان از با کار وی بود عنایت با شد خدمت مولانا فی الحال از سر دست
خورد که عذری بدست چلی حسام الدین داد در اینجا هیز ده بیست از اول مشغول
انجام **مشغولی** بشنوا ز کج حاکم است و کند **۲** تا آنجا که بر کوه باواید
والساده **۳** بعد از آن خدمت مولانا فرمود که پیش از آنکه از خدمت ایشان
داعیه سر بر نهاده عارضیت در اول وقت کرده بود کاین نوع کتاب نظم کرده شود
و با همتا تمام در نظم مشغولی شروع نمود که گاه چنان بودی که از اول شب
تا طلوع فجر خدمت مولانا اما ملا میگرد و چلی حسام الدین می نوشتند و مجموع
آن نوشتند تا با او از بلند خدمت مولانا میخواندند و محفلها و آن با تمام در سپهر
چلی حسام الدین بخد مت مولانا نایب از مندی تمام تقدیم و رسانید و بقیه
مشغولی را استند عا نمود چنانچه در هفت مجلد آن فی بیان اشارت رفته است
مشغولی مدنی ابن مشغولی ناخبر شد **۴** مهلتی با دست ناخبر نشاید شد **۵**

شیخ حسام الدین
بنیاد حسام الدین

دفاعت و بسا
طوبی
م